



Article Type: Research paper

Assessing How China Utilizes the Concept of “Great Power Responsibility” to Expand its Influence in the Middle East

Sarbast Mohammad¹, *Reza Ekhtiari Amiri², Mokhtar Salehi³

1. Ph.D. Candidate in International Relations, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.
2. Associate Professor of International Relations, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.
3. Assistant Professor of International Relations, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Article Info.

Received: 25/10/2025

Accepted: 25/2/2026

Available Online: 10/07/2026

Keywords:

China, Middle East, Great Power Responsibility, Partnership Agreement.

* Corresponding Author:

Dr. Reza Ekhtiari Amiri

Address: Associate Professor of International Relations, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

E-mail:

r.ekhtiari@umz.ac.ir

Abstract

China is one of the world's great powers, a permanent member of the Security Council with veto power, one of the world's great military powers, and in the economic sphere, it controls about 15% of the world's economy after the United States. In the last two decades, following stunning economic growth, China has been trying to redefine the world order. Beijing is trying to improve its position in the global system in competition with the United States with a different logic from the West, in the light of partnership agreements with different countries, and presenting a different concept of “great power responsibility”. The Middle East region has an important place in China's achievement of its strategic goal. The question of this research is how China has expanded its influence in this region in competition with the United States by taking advantage of the concept of great power responsibility towards the Middle East region. The findings of this study, which were obtained by utilizing the conceptualization of great power responsibility from China's perspective as well as the descriptive-analytical research method, indicate that China, while seeking stability in the Middle East, is trying to secure its economic and political interests by respecting the sovereignty of the countries in the region and “peaceful development” and expand its influence in this region in competition with the United States.

How to Site:

Ekhtiari Amiri, R., Mohammad, S., & Salehi, M. (2026). Assessing How China Exploits the Concept of “Great Power Responsibility” to Expand Its Influence in the Middle East. *Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 7(4), 320-348.



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

ارزیابی چگونگی بهره‌گیری چین از مفهوم «مسئولیت قدرت بزرگ» برای بسط نفوذ در خاورمیانه

سربست محمد^۱، *رضا اختیاری امیری^۲، مختار صالحی^۳

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه مازندران. بابلسر. ایران.
۲. دانشیار روابط بین الملل دانشگاه مازندران. بابلسر. ایران.
۳. استادیار روابط بین الملل دانشگاه مازندران. بابلسر. ایران.

اطلاعات مقاله

چکیده

تاریخ دریافت: ۰۳ آبان ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۰۶ اسفند ۱۴۰۴
تاریخ انتشار: ۱۹ تیر ۱۴۰۵

کلیدواژه‌ها:

چین، خاورمیانه، انرژی،
مسئولیت قدرت بزرگ،
توافق مشارکتی، کمربنده-
جاده.

* نویسنده مسئول:

دکتر رضا اختیاری امیری
نشانی: دانشیار روابط بین الملل
دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
پست الکترونیک:
r.ekhtiari@umz.ac.ir

چین در دو دهه اخیر و در پی رشد اقتصادی خیره‌کننده، درصدی از تعریف نظم جهانی است. پکن تلاش می‌کند با منطقی متفاوت از غرب و در سایه توافق‌های مشارکتی با کشورهای مختلف و ارائه مفهومی متفاوت از «مسئولیت قدرت بزرگ» جایگاه خود را در نظام جهانی در رقابت با آمریکا ارتقاء دهد. شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین سپتامبر ۲۰۲۵ ابتکار حکمرانی جهانی را مطرح کرده که در امتداد مفهوم مسئولیت قدرت بزرگ قرار دارد. مطابق این ابتکار بر پایبندی به قوانین بین‌المللی، برابری حاکمیت‌ها و چندجانبه‌گرایی در نظام جهانی تأکید شده است. منطقه خاورمیانه جایگاه مهمی در دستیابی چین به هدف راهبردی خود دارد. سوال این پژوهش این است که چین چگونه با بهره‌گیری از مفهوم مسئولیت قدرت بزرگ در قبال منطقه خاورمیانه، نفوذ خود را در این منطقه در رقابت با آمریکا بسط داده است؟ یافته‌های این پژوهش که با بهره‌گیری از مفهوم‌شناسی مسئولیت قدرت بزرگ از منظر چین و همچنین روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به دست آمده، حاکی از این است که چین ضمن اینکه خواستار ثبات در خاورمیانه است، تلاش دارد با احترام به حاکمیت کشورهای منطقه و «توسعه صلح‌آمیز»، منافع اقتصادی و سیاسی خود را تأمین کرده و در رقابت با ایالات متحده آمریکا، نفوذ خود را در این منطقه بسط دهد.

استناد به این مقاله:

محمد، سربست، اختیاری امیری، رضا، و صالحی، مختار. (۱۴۰۵). ارزیابی چگونگی بهره‌گیری چین از مفهوم «مسئولیت قدرت بزرگ» برای بسط نفوذ در خاورمیانه. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*. ۷(۴)، ۳۲۰-۳۴۸.

۱. مقدمه

چین به عنوان یکی از پنج کشور دائمی شورای امنیت سازمان ملل، نقش مهمی در سیاست‌های جهانی ایفا می‌کند. این کشور به یک شریک تجاری حیاتی برای اکثر کشورهای جهان تبدیل شده است. چین از یک بازیگر منفعل منطقه‌ای به یک قدرت جهانی تبدیل شده است که تقریباً در تمامی ابعاد قدرت (اقتصاد، فناوری، نظامی، دیپلماسی) حضوری تأثیرگذار دارد. روابط چین و آمریکا به عنوان مهم‌ترین رابطه دو جانبه در جهان شناخته می‌شود. رقابت فزاینده این دو ابرقدرت در حوزه‌های مختلف در سطح جهانی، ساختار نظام بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده است. این کشور به دنبال تقویت نفوذ خود در سازمان‌های بین‌المللی و ایجاد یک نظام چندقطبی است. چین همچنین با ابتکاراتی مانند «کمربند و جاده»^۱ به دنبال گسترش روابط اقتصادی و سیاسی با کشورهای در حال توسعه است.

رویکر کلی چین تقویت نفوذ در نظام جهانی است که در تحقق این هدف بر روابط منطقه‌ای از جمله در منطقه خاورمیانه نیز تأکید دارد. چین به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی در عرصه بین‌المللی، تلاش کرده است حضور خود را در منطقه خاورمیانه گسترش دهد. چین به عنوان یک قدرت جهانی در حال ظهور، به دنبال ایجاد یک الگوی جدید از همکاری‌های بین‌المللی است که بر اساس احترام به حاکمیت ملی و عدم مداخله در امور داخلی کشورها باشد. در سطح کلان، سیاست چین در خاورمیانه بر سه اصل استوار است: ۱. امنیت انرژی چین، ۲. توسعه ابتکار کمربند و جاده، ۳. تقویت چندجانبه‌گرایی و مقابله با نفوذ غرب به خصوص آمریکا در سطح جهانی به طور عام و در سطح خاورمیانه به طور خاص. چین در همین حال، سعی دارد تعریف جدیدی از مسئولیت قدرت بزرگ ارائه دهد و آنرا در منطقه خاورمیانه نیز پیگیری کند. مسئله اصلی مقاله پیش‌رو این است که فاکتورهای تأثیرگذار بر سیاست چین در قبال خاورمیانه چیست و این کشور چگونه از مفهوم مسئولیت قدرت بزرگ برای تقویت نفوذ و قدرت نرم خود در این منطقه بهره می‌گیرد؟

۲. پیشینه پژوهش

در خصوص سیاست چین در قبال خاورمیانه آثار متعددی به نگارش در آمده است. به‌امین عظیمیان (۱۴۰۰) در کتاب «دیپلماسی امنیتی چین در خاورمیانه در دورهٔ پسا جنگ سرد»، چین

1. Belt and Road Initiative

را به عنوان قدرت اقتصادی نوظهور در جهان معرفی کرده که نقش فعالی در خاورمیانه داشته و تلاش کرده است نفوذ اقتصادی خود را از طریق اعمال دیپلماسی امنیتی تثبیت کند. موقعیت استراتژیک چین در سال‌های اخیر متأثر از رشد اقتصادی است که سیاست خارجی این کشور را در حوزه‌های مختلف دچار تحول ساخته است. در این کتاب آمده است چین به دنبال تغییر مناسبات امنیتی در خاورمیانه است و سعی می‌کند به صورت تدریجی بازیگری قدرت‌های بزرگ را کم‌رنگ و نقش‌آفرینی فعال‌تری در منطقه داشته باشد. خاورمیانه به عنوان یکی از مناطق دارای منابع انرژی فسیلی، منطقه‌ای بدون قدرت بومی و تحت نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای و همیشه در حال تنش است که این بازخورد را به چین می‌دهد تا دیپلماسی امنیتی خاصی در قبال این منطقه و حتی تک‌تک کشورهای این منطقه هستند، داشته باشد.

غفارزاده و همکاران (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان «دیپلماسی مشارکت راهبردی چین و رویکرد آن به غرب آسیا»، معتقدند که پس از پایان جنگ سرد چین یک شبکه مشارکت جهانی تشکیل داده است. دیپلماسی مشارکتی چین در سه دهه اخیر به ابزار اصلی سیاست خارجی این کشور تبدیل شده و شاخص نمادین سطح روابط دوجانبه و چندجانبه با دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای است. به اعتقاد نویسندگان از آنجایی که خارج از منطقه ایندو-پاسیفیک برای چین، غرب آسیا یکی از مهم‌ترین مناطق است، رویکرد چین به غرب آسیا مبتنی بر امنیت منابع مهم و دسترسی به بازارها و منابع است. این نوشتار استدلال می‌کند که سلسله‌مراتب سطوح دیپلماسی مشارکتی نشان می‌دهد که دولت‌ها و سازمان‌های منطقه غرب آسیا برای چین اهمیت دارند. بنابراین با درک این سلسله‌مراتب می‌توان رویکرد چین به روابط با کشورهای غرب آسیا را تحلیل کرد. دیپلماسی مشارکت چین با غرب آسیا بر محورهای انرژی، ابتکار یک کمربند و یک راه، سرمایه‌گذاری خارجی، تجارت و فناوری متمرکز است.

وفامند و ارغوانی پیرسلامی (۱۴۰۳)، در مقاله «رقابت‌های منطقه‌ای و دیپلماسی اقتصادی چین در زیرسیستم خلیج فارس در سده بیست و یکم» اشاره می‌کنند که جهت‌گیری نوین قدرت‌های بزرگ در آغاز سده بیست و یکم و توجه بیشتر آن‌ها به مؤلفه‌های اقتصادی و نفوذ در مناطق استراتژیک جهان موجب شده رقابت میان قدرت‌ها روزبه‌روز افزایش یابد. در این دوره کشورها به جای توجه محض به ژئوپلیتیک بر ژئواکونومی تأکید می‌کنند و تقویت روندهای منطقه‌ای نیز موجب اهمیت یافتن دیپلماسی اقتصادی در سطوح منطقه‌ای شده است. با توجه به پیشگامی چین در دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای، در این پژوهش نویسندگان بدنبال

بررسی دلایل تسهیل دیپلماسی اقتصادی چین در زیرسیستم خلیج فارس می‌باشند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که چین در سال‌های اخیر در راستای تسهیل دیپلماسی اقتصادی همواره محور سیاست خارجی خود را مبتنی بر تقویت مناسبات پایدار با سایر کشورها و تحکیم روابط حسنه با همسایگان و حل و فصل مشکلات در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی قرار داده است و با ایجاد توازن میان قدرت‌های منطقه تلاش کرده منافع خصوصا دیپلماسی اقتصادی خود را پیش ببرد.

شرفخانی و همکاران (۱۴۰۱)، در مقاله «راهبرد اقتصادی چین در رقابت هژمونیک با آمریکا در خاورمیانه»، رقابت ایالات متحده و چین را یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده نظم بین‌المللی قرن ۲۱ توصیف می‌کنند. در این مقاله آمده است راهبرد اقتصادی چین در رقابت با آمریکا در خاورمیانه، نفوذ هدفمند از طریق مؤثرترین بخش‌های زنجیره ارزش جهانی است. در نگاه خاورمیانه‌ای، چین با توجه به تلاش ایالات متحده برای تشکیل جبهه تجاری یکپارچه برای مقابله با دولت این کشور و به منظور کاهش ریسک امنیت انرژی خود، توجه به امنیت فناوری را با هدف قرار دادن رشد در سلسله مراتب زنجیره ارزش و کسب جایگاه در عالی‌ترین سطوح آن مدنظر قرار داده است.

غریاق زندی و عباسی (۱۴۰۰) در مقاله «تحولات راهبردی و سیاست خارجی چین در خاورمیانه در دهه دوم سده بیست و یکم: چرایی و چگونگی» می‌نویسند: نقش و نفوذ چین در جهان و به‌ویژه در خاورمیانه رو به رشد است. مسئله مهم این است که چرا چین به خاورمیانه توجه جدی دارد و چگونه این منطقه به گسترش قدرت و نفوذ آن کمک می‌کند. این در شرایطی است که همیشه یکی از مشکلات خاورمیانه وجود اختلافاتی است که به نظر پایان‌ناپذیر می‌رسد و تحولات یک‌صد سال اخیر پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی نشان می‌دهد کشورهای قدرتمند دخیل در این منطقه در کاهش اختلافات و مشکلات منطقه موفق نبودند و دخالت کشورهای غربی بیشتر به نامنی در خاورمیانه دامن زده است. در کنار این موضوع تلاش آمریکا برای کاهش تعهدات خود در منطقه و تمرکز بر شرق دور و چین، زمینه را برای بازیگری چین در منطقه فراهم ساخته است.

علاوه بر منابع فارسی، در منابع متعدد لاتین نیز سیاست خاورمیانه‌ای چین مورد بررسی

قرار گرفته است. «یان سان»^۲ (۲۰۲۴)، در مقاله «پیش‌بینی برنامه چین در خاورمیانه طی ۴ سال آینده»^۳ می‌نویسد چالش استراتژی چین و حضور این کشور در خاورمیانه در دوران ریاست جمهوری ترامپ افزایش خواهد یافت. تا سال ۲۰۲۹، این منطقه همچنان سنگ بنای امنیت انرژی چین خواهد بود که این امر را برای پکن ضروری می‌سازد تا نقش، حضور و نفوذ خود را در منطقه برای محافظت از منافع ملی حیاتی خود افزایش دهد. چین به تنوع بخشیدن به روابط اقتصادی خود با منطقه ادامه خواهد داد و فراتر از حوزه سنتی انرژی، با ورود به گذار انرژی و اقتصاد دیجیتال و جستجوی خریداران برای صادرات فناوری پیشرفته جلو خواهد رفت. در نتیجه جنگ در غزه، روابط چین با کشورهای کلیدی منطقه، به طور قابل پیش‌بینی، دوره‌ای از تنظیم را پشت سر خواهد گذاشت. چین با پیروی از شعار دیپلماسی متوازن خود، مشتاق به ایجاد روابط عمیق‌تر با ایران و عربستان سعودی خواهد بود و می‌تواند در جهت تقویت توانایی ایران در منطقه کمک کند. چین خود را به عنوان نوعی صلح طلب منطقه‌ای جدید می‌بیند و پیشنهاد «معماری امنیتی جدید در خاورمیانه» و ویژگی برجسته‌تری در سیاست چین در قبال منطقه بین سال‌های ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۹ خواهد بود.

«انگین کوچ»^۴، (۲۰۱۹) در مقاله «سیاست‌های انرژی خاورمیانه‌ای چین»^۵ می‌نویسد تا سال ۱۹۹۳ چین صادرکننده نفت بود، اما نفت و سایر منابع انرژی این کشور با افزایش سهم آن در تجارت جهانی ناکافی بودند. چین برای تولید پایدار و سیاست‌های صادراتی پایدار به منابع انرژی نیاز دارد. دسترسی به منابع انرژی اولویت اصلی در دستور کار سیاست خارجی چین است. خاورمیانه به دلیل منابع انرژی و موقعیت ژئوپلیتیکی آن برای نیازهای چین اهمیت حیاتی دارد. چین دیپلماسی محتاطانه‌ای را با عدم مداخله در امور داخلی کشورها برای دسترسی آسان به منابع انرژی انجام می‌دهد.

وجه مشترک مقاله پیش‌رو با آثار ذکر شده، توجه به نقش انرژی و همچنین رقابت با آمریکا در سیاست چین در قبال منطقه خاورمیانه است، اما وجه متمایز نیز در این است که مقاله پیش‌رو نگاهی نو به مفهوم مسئولیت قدرت بزرگ از منظر چین و تأثیر آن بر نفوذ پکن در منطقه خاورمیانه دارد.

2. Yun Sun

3. Forecasting China's strategy in the Middle East over the next four years

4. Engin Koch

5. . China's Middle East Energy Policies

۳. چارچوب مفهومی: مفهوم مسئولیت قدرتهای بزرگ

هر کدام از نظریه‌های روابط بین‌الملل از زاویه خاصی «مسئولیت قدرت بزرگ»^۶ را تبیین کردند. قدرت‌های بزرگ به دلیل جایگاه و حقوق خود در جامعه بین‌المللی، مسئولیت‌های ویژه‌ای برای رهبری و حفظ نظم بین‌المللی دارند. در طول تاریخ بین‌الملل، ایده مسئولیت قدرت بزرگ به اصطلاح رایجی در توصیف رفتار سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ تبدیل شده است، زیرا آنها بیشترین ظرفیت را برای تأثیرگذاری بر جهت‌گیری نظم بین‌المللی دارند. با این حال، علی‌رغم برجستگی آن در گفتمان سیاست بین‌الملل، مفهوم مسئولیت قدرت بزرگ در روابط بین‌الملل نسبتاً ناشناخته مانده است. از نظر واقع‌گرایان، قدرت‌های بزرگ در درجه اول و بیش از هر چیز با توانایی‌های نظامی خود در مقایسه با دیگران متمایز می‌شوند (Mearsheimer, 2009: 5). قدرت‌های بزرگ در پی یافتن فرصت‌هایی برای تغییر نحوه توزیع قدرت جهانی به نفع خود هستند. آنها اگر قابلیت‌های لازم را داشته باشند این فرصت‌ها را به چنگ خواهند آورد. به عبارت ساده‌تر، قدرت‌های بزرگ همواره آماده تهاجم‌اند. همچنین، قدرت‌های بزرگ نه تنها در پی افزایش قدرت خود به بهای کاهش قدرت دول دیگر هستند؛ بلکه تلاش می‌کنند تا از افزایش قدرت رقبا به بهای کاهش قدرت خودشان نیز جلوگیری کنند (Mearsheimer, 2009: 3). هدف اصلی قدرت‌های بزرگ بیشینه ساختن سهم خود از قدرت موجود در جهان است. میل به قدرت اشتهایی نیست که سیری ناپذیر باشد (Mearsheimer, 2009: 189). با این حال، در حالی که واقع‌گرایان مفهوم قدرت ملی را در اولویت قرار می‌دهند، لزوماً همه آنها مفهوم مسئولیت را به طور کامل نادیده نمی‌گیرند. «کنت والتز»^۷ در کتاب «نظریه سیاست بین‌الملل»^۸ اظهار داشت «کسانی که بیشترین توانایی را دارند، مسئولیت‌های ویژه‌ای را بر عهده می‌گیرند» (Waltz, 1979: 198). رئالیسم تهاجمی در دوگانه قدرت-امنیت برتری را به قدرت می‌دهد و آنرا هدف اصلی دولت‌ها برمی‌شمارد. دولت‌ها به چگونگی توزیع قدرت میان خود توجه ویژه‌ای دارند. بنابراین آنها تلاش ویژه‌ای را برای به حداکثر رساندن سهم خود از قدرت جهانی به کار می‌بندند، به ویژه آنها به دنبال این هستند که موازنه قدرت را با کسب و افزایش قدرت، تغییر دهند.

6. Responsibility of Great Power

7. Kenneth Waltz

8. Theory of International Politics

مکتب انگلیسی^۹ نیز یکی دیگر از مکاتبی است که به مفهوم مسئولیت قدرت بزرگ پرداخته است. مکتب انگلیسی با وارد کردن یک عنصر اجتماعی به مفهوم سازی مسئولیت قدرت های بزرگ، تغییر مهمی از واقع گرایی ایجاد می کند. امتیاز دادن به قدرت مادی و این تصور که تمایز مسئولیت از نابرابری مادی ناشی می شود، در مکتب انگلیسی نیز مورد پذیرش قرار می گیرد. با این حال، برخلاف واقع گرایان، طرفداران مکتب انگلیسی بر ایده نقش اجتماعی تأکید می کنند. آنها استدلال می کنند که یک قدرت بزرگ هم با توانایی های مادی و هم با درک بین الاذهانی از نقش اجتماعی اش متمایز می شود. همانطور که «وینسنت» استدلال کرد، قدرت های بزرگ «به همان اندازه که از قدرت بهره مند می شدند، بار مسئولیت نیز بر دوش شان بود، و نقشی که باید ایفا می کردند» (Vincent, 1990: 62-63). «هدلی بول»^{۱۰} به طور مشابه اظهار داشت که «سهم قدرت های بزرگ در نظم بین المللی از واقعیت های محض نابرابری قدرت بین دولت هایی که نظام بین المللی را تشکیل می دهند، ناشی می شود... اما فراتر از این سهم،... قدرت های بزرگ ممکن است با دنبال کردن سیاست هایی که به نفع نظم بین المللی عمل می کنند نه علیه آن، در ارتقای این نظم نقش داشته باشند.» طبیعتاً، همه کشورها مسئولیت دفاع و ارتقای منافع ملی خود را دارند. مفهوم منافع همواره وجود دارد زیرا کشورها در نهایت «بازیگران استراتژیکی هستند که در یک محیط اجتماعی ساخته شده اند». با این حال، رویکرد جامعه بین المللی مکتب انگلیسی، قدرت های بزرگ را به عنوان تجسم یک منفعت شخصی روشن بینانه در نظر می گیرد که منافع گسترده تر سایر اعضای جامعه بین المللی را در نظر می گیرد و برای حفظ نظم بین المللی تلاش می کند (Loke, 2016: 9-10).

۴. چین و مسئولیت قدرت بزرگ

مفهوم مسئولیت قدرت های بزرگ برای قدرت های غربی به خصوص آمریکا بیشتر به کار می رفت، اما چین هم پس از افزایش رشد اقتصادی تلاش کرد چنین هویتی را برای خود در سطح جهانی ایجاد کند. چین مفهوم مسئولیت قدرت بزرگ را به ایده «قدرت بزرگ مسئول»^{۱۱} تغییر داد، ایده ای که تقریباً از اواسط دهه ۱۹۹۰ در تفکر چینی ریشه دواند و در سال ۱۹۹۷ به هویت ملی چین تبدیل شد. در واقع، از حدود سال های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۸، چین «مسئولیت پذیری

9. The English School

10. Heddley Bull

11. Responsible Great Power

بین‌المللی» را به عنوان هویت جدید خود پذیرفت (Deng, 2015: 117-130). قدرت بزرگ مسئول مفهومی استراتژیک در سیاست خارجی چین است که به نقش آفرینی فعال، سازنده و صلح طلبانه یک قدرت جهانی در نظام بین‌الملل اشاره دارد. از دید چین، این مفهوم به معنای ایفای نقش در حل و فصل بحران‌های جهانی، توسعه اقتصادی فراگیر، حفظ ثبات منطقه‌ای، و اصلاح ساختارهای ناعادلانه بین‌المللی است؛ بدون آن‌که به هژمونی طلبی یا مداخله‌جویی غربی تن دهد. چین خود را مدافع نظم بین‌المللی مبتنی بر همکاری و احترام متقابل می‌داند، نه سلطه‌گری. بر خلاف برخی قدرت‌های غربی، چین مفهوم مسئولیت را با اصل حاکمیت ملی و عدم مداخله پیوند می‌زند (Yan, 2011: 17) و تلاش می‌کند از این ایده برای مشروع‌سازی نفوذ خود در سطح جهانی و همچنین در سطح منطقه‌ای بهره‌گیرد.

چین در ابتدا «قدرت مسئولانه» را به عنوان فراخوانی برای عمل به عنوان یک شرکت‌کننده فعال در امور جهانی در نظر گرفت و تصویر دیرینه خود را به عنوان قربانی قدرتمندان به چالش کشید. موضوع حائز اهمیت این است که چین تلاش کرد از همکاری بین‌المللی به عنوان روشی برای ایجاد مشروعیت و ایفای نقش مهمی در تکامل سیاست جهانی بهره‌گیرد. در گذشته، کسب مشروعیت بین‌المللی برای چین بسیار مهم بود زیرا این کشور به دنبال تثبیت جایگاه خود به عنوان یک قدرت جهانی و کاهش تلاش‌های مهار استراتژیک قدرت‌های غربی بود. «ایان جانستون»^{۱۲}، استاد دانشگاه هاروارد، عنوان می‌کند که چین برای ارائه تصویری صلح‌آمیز و سازنده باید نشان می‌داد که به جایگاه بین‌المللی خود اهمیت می‌دهد و به قوانین پایبند است (Johnston, 2008: 148).

چین از طریق تعامل با نهادهای بین‌المللی و گاهی ایجاد آنها، خود را به عنوان یک بازیگر کلیدی در حکومت جهانی معرفی کرد که برای پذیرش و نفوذ آن در صحنه جهانی ضروری است. چین از طریق همکاری‌های بین‌المللی و ادغام در نهادهای بین‌المللی و نقش آفرینی فعال در این نهادها تلاش کرد نظم تک قطبی آمریکایی را به چالش کشیده و در جهت ایجاد جهانی فراگیرتر و چندقطبی اقدام کند. معیارهای قدرت مسئولانه بر اساس دیدگاه چینی عبارتند از: عمل به عنوان یک بازیگر سازنده در نظام جهانی، ترویج همکاری‌های بین‌المللی به عنوان رویکردی برای پرداختن به چالش‌های جهانی (Lipping: 2001: 8).

12. Iain Johnston

به طور کلی؛ نحوه تفسیر چین از محتوا و ماهیت مسئولیت‌هایش با تفسیر قدرت‌های غربی به خصوص آمریکا متفاوت است. آمریکا در ابتدا مسئولیت قدرت بزرگ را در تضاد با کمونیسم در جهان دو قطبی تعریف می‌کرد و در ادامه نیز به توسعه لیبرال دموکراسی در جهان تعریف می‌کند، اما چین تعریف متفاوتی دارد تعریفی که به توسعه لیبرال دموکراسی منجر نمی‌شود. چین به خصوص در قرن ۲۱ با طرح ایده مشارکت راهبردی در روابط با کشورها تلاش کرد مفهوم قدرت بزرگ مسئول را در سطح جهانی و همچنین به روابط دوجانبه نیز تعمیم دهد و مبتکر طرح‌های جدید در حوزه‌های مختلف به خصوص توسعه، صلح و امنیت باشد. لذا ایده «ظهور صلح‌آمیز»^{۱۳} مطرح شد. منظور چین از «ظهور صلح‌آمیز» که بعدها با مفهوم «توسعه صلح‌آمیز»^{۱۴} جایگزین شد، یک سیاست رسمی است که تحت رهبری «هو جین تائو»^{۱۵} در جهت رد نظریه تهدید چین، مطرح شد و این مفهوم، توصیف‌کننده چین به عنوان یک بازیگر جهانی مسئولیت‌پذیر است (Kouhkan and Ebrahimi, 2025:231-232). بر اساس سند دفتر اطلاعات شورای دولتی جمهوری خلق چین، الگوی توسعه چینی با طرح ایده‌های صلح‌آمیز همراه بوده که آنها را به عنوان خدماتی به بشریت محسوب می‌کنند. در این رابطه رهبران چینی راهکارهای جهانی و دیپلماتیکی ارائه کرده‌اند که در عین توسعه، به صلح جهانی نیز کمک شده است؛ از آن موارد می‌توان به ارائه پنج اصل همزیستی مسالمت‌آمیز (احترام متقابل به حاکمیت ملی، عدم تجاوز به تمامیت ارضی کشورها، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، برابری و همزیستی مسالمت‌آمیز) در بدو تشکیل جمهوری خلق چین اشاره کرد که این موارد به هنجارهای مهم بین‌المللی تبدیل شدند. (دفتر اطلاعات شورای دولتی چین، ۱۳۹۸: ۱۱-۱۰)

در همین راستا، «شی جین پینگ»^{۱۶}، رئیس جمهور چین چهار طرح جهانی در مقیاس بزرگ را پیشنهاد داده است: طرح توسعه جهانی (GDI)^{۱۷}، طرح امنیت جهانی (GSI)^{۱۸}، طرح تمدن جهانی (GCI)^{۱۹} و طرح حکمرانی جهانی. این طرح‌ها بینش‌های برجسته‌ای در مورد

13. Peaceful Rise

14. Peaceful Development

15. Hu Jintao

16. Xi Jinping

17. The Global Development Initiative (GDI)

18. The Global Security Initiative (GSI),

19. The Global Civilization Initiative (GCI)

برداشت‌های چین از نقش و مسئولیت‌های قدرت بزرگ خود ارائه می‌دهند، اما مهم‌تر از آن، نشان‌دهنده تشدید سیاست (باز)نظم‌دهی هژمونیک جهانی نیز هستند. ابتکار جهانی توسعه (GDI) که توسط شی جین پینگ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۲۱ اعلام شد، به دنبال «هدایت توسعه جهانی به سمت مرحله جدیدی از رشد متعادل، هماهنگ و فراگیر» از طریق پیگیری اتصال عمیق‌تر و توسعه مبتنی بر نوآوری سودمند متقابل است. ابتکار امنیت جهانی (GSI) که اولین بار توسط شی جین پینگ در «مجمع بوآئو برای آسیا»^{۲۰} در سال ۲۰۲۲ پیشنهاد شد و متعاقباً در فوریه ۲۰۲۳ در یک سند مفهومی وزارت امور خارجه به تفصیل شرح داده شد، شامل «شش تعهد» است: پیگیری امنیت مشترک، جامع، مشارکتی و پایدار؛ احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی همه کشورها؛ پایبندی به اهداف و اصول منشور سازمان ملل؛ جدی گرفتن نگرانی‌های امنیتی مشروع همه کشورها؛ حل مسالمت‌آمیز اختلافات و مناقشات بین کشورها از طریق گفتگو و مشورت؛ و حفظ امنیت در حوزه‌های سنتی و غیرسنتی. کمتر از یک ماه پس از انتشار سند مفهومی ابتکار امنیت جهانی، شی جین پینگ در مارس ۲۰۲۳ ابتکار تمدن جهانی را برای ترویج تنوع تمدنی، یادگیری متقابل و تبادلات مردم با مردم معرفی کرد. مضامین مشترک مسئولیت‌پذیری نظیر همکاری برد-برد، احترام متقابل، ایجاد جامعه‌ای با آینده‌ای مشترک برای بشریت و تعهد به عدالت، برابری و شمول، زیربنای هر سه ابتکار عمل هستند. این مفاهیم ناآشنا نیستند: آنها از ویژگی‌های ثابت سیاست خارجی پکن بوده‌اند؛ در سخنرانی‌های رهبری چین در سطوح داخلی و جهانی تکرار شده‌اند؛ و بینش‌هایی در مورد خودپنداره چین به عنوان یک قدرت بزرگ مسئول ارائه می‌دهند. جمهوری خلق چین مدت‌هاست که خود را به عنوان یک قدرت بزرگ مسئول با نقش مدیریتی در ایجاد نظم معرفی کرده است، اما مسلماً تنها در سال‌های اخیر است که پکن نه تنها قصد، بلکه ظرفیت افزایش یافته‌ای نیز برای اجرای این مسئولیت‌های خودپنداره قدرت بزرگ دارد (Loke, 2023: 1-5).

رئیس جمهور چین سپتامبر ۲۰۲۵ نیز در بیست‌وپنجمین نشست سازمان همکاری شانگهای از طرح حکمرانی جهانی^{۲۱} رونمایی کرد. این ابتکار با هدف پاسخ به پرسش محوری «چه نوع نظام حکمرانی جهانی باید ایجاد شود و چگونه اصلاح شود» ارائه شده و بر رعایت

20. Boao Forum for Asia

21. Global Governance Initiative

اصول منشور سازمان ملل و تحقق چشم‌انداز حکمرانی جهانی با ویژگی رایزنی گسترده و منافع جمعی تمرکز دارد. هدف این طرح، ایجاد نظام حکمرانی جهانی عادلانه‌تر و همکاری برای ساخت جامعه‌ای با آینده‌ای مشترک برای بشریت عنوان شده است. در این طرح، برابری حاکمیتی، حکمرانی قوانین بین‌المللی، چندجانبه‌گرایی و مردم‌محوری به عنوان ارکان اصلی حکمرانی جهانی مورد تأکید قرار گرفته است (The State Council the People's Republic of China, 2025). نکته نهایی اینکه؛ چین مسئولیت قدرت بزرگ را نه در قالب سلطه‌جویی، بلکه در قالب توسعه‌محوری و احترام به حاکمیت ملی کشورها تعریف می‌کند. تعریف چین تحول معنایی در مسئولیت قدرت بزرگ دارد و در جهت تقویت قدرت نرم از آن بهره می‌گیرد.

۵. چین؛ مفهوم قدرت بزرگ مسئول و منطقه غرب آسیا

روابط میان چین و دولت‌های خاورمیانه پس از جنگ سرد به شکل جدی پیگیری می‌شود. در اوایل دهه ۱۹۸۰، پس از اصلاحات و سیاست «گشایش درها» دنگ شیائوپینگ، چین شروع به جستجوی شرکای جدیدی کرد که بتواند نیاز فزاینده به منابع انرژی را برآورده کند. از این رو کشورهای خاورمیانه و به ویژه خلیج فارس در کانون توجه چین قرار گرفتند (Rozsa, 2022: 5). به موجب موقعیت دور منطقه خاورمیانه در حلقه امنیتی بیرونی چین، روابط بین دولت‌های منطقه و پکن از سال ۱۹۸۷ بیشتر بر تجارت و همکاری اقتصادی متمرکز شده و راهبرد کلی چین تعمیق روابط اقتصادی و تجاری بدون درگیر شدن در باتلاق‌های بی‌شمار و طولانی سیاسی و نظامی منطقه بود. چین از زمان اعلام «ابتکار کمربند و جاده» در سال ۲۰۱۳ به سیاست خاورمیانه‌ای خود سرعت بخشیده است. چین تنها قدرت در سطح نظام جهانی است که روابط اقتصادی و سیاسی قابل توجهی با همه بازیگران قدرتمند خاورمیانه دارد (Freyman, 2021: 133).

تقویت روابط چین با کشورهای منطقه خاورمیانه پس از دو سند سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ پیگیری شد. محوریت همکاری اقتصادی و توسعه تعامل چین با کشورهای غرب آسیا در دو سند اساسی دولت چین، «چشم‌انداز و اقدامات در مورد کمربند مشترک اقتصادی در حال ایجاد جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی قرن ۲۱»^{۲۲} در سال ۲۰۱۵ و «سند سیاست عربی»^{۲۳}

22. Visions and Actions on Jointly Building Silk Road Economic Belt and 21st-Century Maritime Silk Road

23. The China Arab Policy Paper

در سال ۲۰۱۶ منعکس شده است. دولت چین در ژانویه ۲۰۱۶ «سند سیاست چین درباره کشورهای عربی» را منتشر کرد. این نخستین سند چین درباره سیاست‌هایش در قبال کشورهای عربی محسوب می‌شود. در این سند آمده است: «پس از توسعه شصت ساله، چین و کشورهای عربی دوستان یکدیگر در زمینه صلح، توسعه و فرهنگ و تمدن با اعتماد و منافع متقابل هستند. همکاری‌های دوجانبه در ابعاد مختلف عمیق‌تر شده و توسعه تاریخی یافته و نمونه‌ای برای همکاری جنوب- جنوب به شمار می‌رود» (China's Arab Policy Paper, January 2016). در این سند آمده است سیاست خاورمیانه‌ای چین در این شش اصل ریشه دارد:

- ایجاد سازوکارهای ارتباطی و گفت‌وگو برای امکان همکاری سیاسی
- تقویت روابط اقتصادی با سرمایه‌گذاری و همکاری تجاری
- ترویج اصل حاکمیت سرزمینی و مداخله نکردن در امور داخلی کشورها
- همکاری در زمینه‌های توسعه اجتماعی مانند مراقبت‌های بهداشتی، آموزشی، علمی و فناوری
- همکاری در زمینه رسانه و همچنین فرهنگ، هنر و ادبیات
- همکاری در امور امنیتی سنتی مانند تروریسم و پلیس و موارد غیرسنتی مانند امنیت سایبری (Fulton, June 2019: 3).

با آغاز دهه سوم قرن ۲۱، سیاست خاورمیانه‌ای جمهوری خلق چین بر اساس سند «همکاری توسعه بین‌المللی چین در عصر جدید»^{۲۴} که توسط دفتر اطلاعات شورای دولتی این کشور در ژانویه ۲۰۲۱ منتشر شد، هدایت می‌شود. چین روابط خود را با منطقه خاورمیانه با استفاده از مفهوم «مشارکت راهبردی»^{۲۵} انجام می‌دهد. از زمان پایان جنگ سرد، چین بیش از ۲۰ نوع قرارداد مشارکت راهبردی با حدود ۱۰۰ کشور جهان و بیش از ۱۰ سازمان منطقه‌ای نظیر اتحادیه اروپا، اتحادیه آفریقا، آسه آن، و اتحادیه عرب، به مرحله اجرا گذاشته است. پکن توافق‌های راهبردی خود را در منطقه خلیج فارس در سه سطح و با توجه به اهمیت اقتصادی و ژئوپلیتیکی هر کشور تنظیم کرده است. اولین سطح «مشارکت راهبردی جامع»^{۲۶} با ایران،

24. China's International Development Cooperation in the New Era

25. Strategic Partnership

26. comprehensive strategic partnerships

عربستان سعودی و امارات متحده عربی است. سطح دوم «مشارکت راهبردی» با عراق، کویت، عمان و قطر است که اگرچه ماهیتی قوی دارد، اما از مشارکت راهبردی جامع ضعیف‌تر است. سطح سوم که دربرگیرنده یمن می‌شود، «روابط همکاری جویانه دوستانه» را شامل می‌شود که حوزه‌ای محدودتر دارد. این رویکرد سطح به سطح چین بازتاب‌دهنده دیپلماسی عملگرا و منفعت‌محور این کشور است که به آن اجازه می‌دهد تا پیوندهای اقتصادی و امنیتی خود را تعمیق کند و در عین حال، توازنی قابل تامل را از منظر ژئوپلیتیک در منطقه‌ای مملو از نوسان و تغییر برقرار سازد (Chaziza, April 28, 2025).

سال امضای توافق	کشور	سطح روابط
۲۰۱۴	قطر	مشارکت راهبردی
۲۰۱۵	عراق	مشارکت راهبردی
۲۰۱۵	اردن	مشارکت راهبردی
۲۰۱۶	ایران	مشارکت جامع راهبردی
۲۰۱۶	عربستان سعودی	مشارکت جامع راهبردی
۲۰۱۸	کویت	مشارکت راهبردی
۲۰۱۸	عمان	مشارکت راهبردی
۲۰۱۸	امارات متحده عربی	مشارکت جامع راهبردی

این رویکرد حاکی از اراده پکن برای حضور بلندمدت در منطقه خاورمیانه و کنشگری محوری در قالب معادلات کلان ژئوپلیتیکی و اقتصادی آن است. انتظار اصلی چین از کشورهای منطقه خاورمیانه این است که یک شریک تجاری قابل اعتماد و پایدار باقی بمانند. برای دستیابی به این هدف، چین میلیاردها دلار در قراردادهای دوجانبه و پروژه‌های زیربنایی با کشورهای خاورمیانه سرمایه‌گذاری می‌کند. بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸، چین ۱۱۴ میلیارد دلار در عربستان سعودی، امارات، ایران و عراق سرمایه‌گذاری کرد که ۵۱ درصد از این سرمایه‌گذاری بین سال‌های ۲۰۱۳ (زمانی که ابتکار کمربند و جاده راه‌اندازی شد) تا ۲۰۱۸ انجام شد (Çal şkan, 22 March 2023: 3). صادرات چین به منطقه خاورمیانه در سال ۲۰۲۲ حدود ۲۲۹ میلیارد دلار و واردات از این منطقه حدود ۲۷۹ میلیارد دلار بود. حجم تجاری چین با منطقه

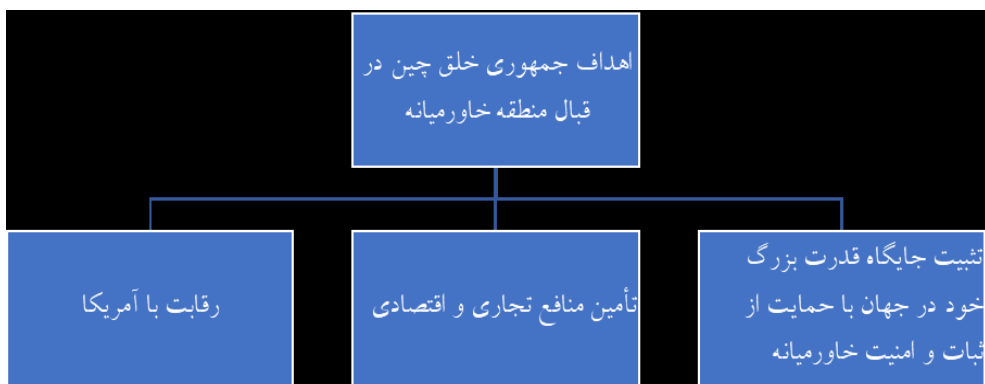
خاورمیانه بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار برآورد شد. برای اجتناب از وابستگی بیش از حد به واردات انرژی از یک کشور، خرد جمعی در چین بر این قرار گرفته است که نباید بیش از ۲۰ درصد نیازهای نفتی خود را از یک کشور تأمین کند (Sun, 19 December 2024: 2-3).

۶. اصول و اهداف سیاست خارجی چین در قبال خاورمیانه

اصول و اهداف سیاست خارجی چین در قبال منطقه خاورمیانه نیز در چارچوب مفهوم مسئولیت قدرت بزرگ قرار دارد. این اصول عبارتند از:

- حفظ ثبات و امنیت در منطقه
- بی طرفی در قبال تحولات منطقه
- عدم مداخله در امور داخلی کشورهای منطقه
- ارجحیت قائل شدن بر منافع اقتصادی به جای ارزش ها و هنجارهای حقوق بشری
- پیگیری صلح از طریق توسعه

در واقع، این اصول در قالب قدرت بزرگ مسئول پیگیری می شود. با توجه به این اصول، به طور کلی می توان اهداف جمهوری خلق چین در قبال منطقه خاورمیانه را در موارد زیر بیان کرد:



شکل ۱. منبع: نویسندگان

۶-۱. تثبیت جایگاه قدرت بزرگ خود در جهان با حمایت از ثبات و امنیت خاورمیانه

چین در چارچوب مسئولیت قدرت بزرگ و ابتکار حکمرانی جهانی شی جین پینگ، از صلح و ثبات، حاکمیت کشورها و توسعه منطقه خاورمیانه حمایت می‌کند. خاورمیانه به دلایل مختلف به خصوص منابع غنی انرژی و قابلیت قوی اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس اهمیت زیادی برای قدرت‌های جهانی دارد. چین متعهد به الگوی وستفالیایی مبتنی بر عدم دخالت در مسائل داخلی کشورها و احترام به حاکمیت دولت‌هاست. این در حالی است که آمریکا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر به دنبال تعادل بین ثبات و تغییر از طریق دخالت در امور داخلی دولت‌ها و در برخی موارد به دنبال تغییر برخی رژیم‌ها در منطقه بوده است. این رویکرد چین ناشی از چند دلیل است. اول اینکه، چین به شدت به نفت و انرژی منطقه وابسته است و هرگونه ناامنی در منطقه اقتصاد رو به رشد چین را تحت الشعاع قرار خواهد داد. دوم اینکه، ساختار سیاسی چین به گونه‌ای است که حمایت از ساختارهای بسته کشورهای منطقه می‌تواند در راستای منافع دولتمردان حزب کمونیست چین باشد. سوم اینکه، سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا مبنی بر حمایت از حقوق بشر و دموکراسی از یک سو و ارتباط گسترده با برخی حاکمان منطقه از سوی دیگر، در طول دهه‌های گذشته موفقیت‌های چندانی را کسب نکرده و چین نمی‌خواهد ادامه دهنده مسیر شکست خورده ایالات متحده در منطقه باشد (Sevilla, 2020: 8).

چین با افزایش نفوذ خود در مناطق مختلف جهان به خصوص منطقه راهبردی خاورمیانه سعی دارد در نظام جهانی نیز موقعیت خود را ارتقا دهد. نگاه چین به خاورمیانه به فراتر از مسایل اقتصادی سوق پیدا کرده و این کشور علاوه بر مناسبات اقتصادی دو جانبه، معادلات چندجانبه در خصوص حل مسایل سیاسی و ارائه نقش میانجی‌گری را در منازعات کشورهای خاورمیانه پیگیری می‌کند (Sharafkhani and et al. 2019: 86). منافع مشترک اقتصادی چین با کشورهای منطقه که بر پایه انرژی و سرمایه‌گذاری‌های گسترده در این کشورها قرار دارد منجر به تسری روابط به سایر حوزه‌ها از جمله روابط استراتژیک و مشروعیت‌بخشی به دیپلماسی فعال در خاورمیانه برای حل و فصل اختلافات شده است (Turki al-Sudair: 2018: 52). چین خود را به عنوان یک «بازیگر بی طرف ژئوپلیتیکی»^{۲۷} در خاورمیانه معرفی کرده است. بر همین اساس، پکن در سال ۲۰۲۳ میان ایران و عربستان، دو قدرت منطقه خاورمیانه، میانجی‌گری کرد که احیای روابط دو کشور را در پی داشته است (Bradsher, 11 October 2023).

27. Neutral geopolitical player

عطف به تحولات تبت، تایوان و سین کیانگ، دولتمردان چین دنبال هیچ‌گونه جدایی طلبی در سایر مناطق پیرامونی نیستند چون آن را قابل سرایت به شرق آسیا تعبیر می‌کنند. از این رو، پکن با تحولات یک دهه اخیر خاورمیانه و تحرکات غربی-عبری برای فروپاشی کشورهای مستقل مثل سوریه و عراق مخالف بود. با توجه به وجود مشکلات داخلی در برخی از کشورهای منطقه و درک درست از اختلافات مرزی، هویتی و ایدئولوژیک، چین در تلاش است رویکردی متفاوت از غرب و آمریکا را در پیش گیرد (Gharayagh Zandi and Mohammad, 2021:50). و از این طریق کشورهای منطقه را وامدار سیاست‌های خود در راستای تنش‌زدایی و حمایت از امنیت و ثبات خاورمیانه کند که نمود بارز آن در برقراری روابط مجدد ایران و عربستان است. یکی از دلایل اصلی استقبال کشورهای خاورمیانه از توسعه روابط با چین این است که پکن فاقد سابقه استعماری است و استراتژی صلح‌آمیزی نیز در قبال منطقه خاورمیانه و روابط میان کشورهای منطقه دارد (Sun, 2019: 17-22).

افزایش حضور چین در خاورمیانه یک عامل قابل توجه در شکل‌دهی به چشم‌انداز ژئوپولیتیکی این منطقه است و پیامدهای قابل توجهی برای سیاست‌های جهانی دارد. این موضوع گواهی بر این است که منافع اقتصادی و سیاسی چین به طور جهانی گسترش یافته و تلاش‌های این کشور برای تأمین دسترسی به منابع و بازارهای حیاتی در خاورمیانه را نشان می‌دهد. چین به عنوان یکی از قدرت‌های برتر جهان، به دلیل اتکا به واردات نفت از این منطقه، منافع زیادی در حفظ صلح و ثبات در خاورمیانه دارد. همزمان، کشورهای خاورمیانه به طور فزاینده‌ای اصل عدم مداخله چین و تعهد به حفاظت از منافع مشترک از طریق استقلال و خودمختاری را گزینه‌ای جذاب یافته‌اند. این رویکرد با تمایل کشورهای خاورمیانه برای استقلال و انعطاف بیشتر در روابط خارجی خود همسو است. از این رو، موقعیت چین به عنوان یک بازیگر بی‌طرف و غیرمتعهد در منطقه، به پکن توانایی منحصر به فردی داده است تا مشارکت خود را در تلاش‌های ترویج صلح و میانجی‌گری در سال‌های اخیر در برخی از برجسته‌ترین درگیری‌های منطقه افزایش دهد. بزرگ‌ترین دستاورد آن نیز ایجاد تصویری از چین به عنوان یک قدرت بزرگی است که توانمندی اقتصادی دارد، دغدغه دموکراسی و حقوق بشر ندارد، در امور داخلی کشورها دخالت نمی‌کند و به خاطر منافع اقتصادی خود خواستار توسعه کشورهای هدف نیز است. (Eslami and Papageorgiou, 2023) چین گفت‌وگوی تقویت‌شده بین همه طرف‌ها را به جای تحریم‌ها یا مداخله نظامی، بهترین راه‌حل برای مناقشات منطقه‌ای می‌داند

و بنابراین ترویج «صلح از طریق گفتگو» را تشویق می‌کند (Lanyu, 2021:81-82). چین با ساخت چنین تصویری سعی می‌کند قدرت بزرگی متفاوت از غرب در سطح جهانی باشد و جایگاه جهانی خود را تقویت کند.

۶-۲. تأمین منافع تجاری و اقتصادی

در قرن ۲۰، ایالات متحده و قدرت‌های اروپایی بر منطقه خاورمیانه تسلط داشتند. در سال‌های اخیر، اشتهای سیری‌ناپذیر چین برای منابع و توسعه اقتصادی، برتری آن‌ها را به چالش کشیده است. مصرف نفت چین در عرض حدود ۲۰ سال تقریباً ۴ برابر شد و از ۲/۹ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۹۳ به ۱۱/۹ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۶ افزایش یافت (AI-Tamimi, 2018: 256) و حدود نیمی از این میزان نیز از منطقه خاورمیانه تأمین می‌شود. این منطقه مهم‌ترین منبع تأمین‌کننده نفت و انرژی چین است. کشورهای خاورمیانه نیز برای تنوع بخشیدن به روابط تجاری خود و کاهش وابستگی بیش از حد به ایالات متحده مشتاق به تقویت روابط با چین هستند. به طور سنتی، یکی از محرک‌های اصلی تعامل چین با خاورمیانه، نیاز آن به منابع انرژی بوده است. در سال ۲۰۲۱، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، عراق، کویت، قطر و عمان تقریباً ۵۰ درصد از واردات نفت خام چین را تأمین کردند و عربستان سعودی و امارات متحده عربی به عنوان دو بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت خام به چین بودند (Blanchard, 2023: 26).

ابتکارات دیپلماتیک چین نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری عمیق‌تر در ادامه توسعه روابط با کشورهای خاورمیانه است. در سال ۲۰۲۲، چین نخستین اجلاس کشورهای عربی و نخستین اجلاس چین و شورای همکاری خلیج فارس (GCC) را برگزار کرد که نشان‌دهنده تعهد این کشور به تقویت مشارکت‌های استراتژیک در منطقه و ارتقاء توسعه اقتصادی فراتر از منافع انرژی سنتی‌اش بود. در سال‌های اخیر، چین تعامل خود را با منطقه فراتر از علاقه سنتی خود به منابع انرژی افزایش داده است. این تعامل، ملاحظات اقتصادی، دیپلماتیک، امنیتی و استراتژیک را در بر می‌گیرد. منافع تجاری و اقتصادی در همکاری‌های گسترده با کشورهای خلیج فارس در زمینه تجارت و سرمایه‌گذاری، به‌ویژه همکاری در زمینه‌های ساخت زیرساخت، تجارت، سرمایه‌گذاری و مالی تحت ابتکار کمربند-جاده است. مطابق با سند سیاست عربی چین و سایر اظهارات رسمی در مورد مسائل امنیتی در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس، چین رشد

اقتصادی را کلید امنیت و ثبات بلندمدت در منطقه می‌داند و از این رو از ترویج «صلح از طریق توسعه» حمایت می‌کند (Lanyu, 2021: 81-82).

پکن سرمایه‌گذاری‌های خود را در خاورمیانه از طریق طرح شاخص خود، یعنی ابتکار کمربند و جاده (BRI)، گسترش داده که به ابزاری حیاتی در سیاست خارجی چین تبدیل شده است. این ابتکار چین به حدی بزرگ است که بیشتر نواحی پرتلاطم خاورمیانه از جمله خلیج فارس و حتی کشورهای بی‌ثباتی چون سوریه و عراق را نیز دربرمی‌گیرد. طبق گزارش سرمایه‌گذاری کمربند و جاده در سال ۲۰۲۲، کشورهای خاورمیانه همکاری خود را در چارچوب کمربند و جاده با چین گسترش دادند. خاورمیانه به دلیل وابستگی چین به واردات انرژی، برای بخش دریایی ابتکار کمربند و جاده (MSRI)^{۲۸} از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر اساس گزارش سرمایه‌گذاری ابتکار کمربند و جاده چین در سال ۲۰۲۱، اکثر پروژه‌های سرمایه‌گذاری پکن در این ابتکار در سال ۲۰۲۱، منطقه منا^{۲۹} (خاورمیانه و شمال آفریقا) را هدف قرار دادند. در چارچوب ابتکار کمربند و جاده از جمله کمربند اقتصادی جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی قرن بیست و یکم، چین یک الگوی همکاری «۱ + ۲ + ۳» با کشورهای منطقه ایجاد کرده است که در آن همکاری انرژی به عنوان هسته اصلی، ساخت زیرساخت‌ها و تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری به عنوان دو بال، و زمینه‌های فناوری پیشرفته و نوین انرژی هسته‌ای، ماهواره فضایی و انرژی‌های نو به عنوان سه نقطه عطف تلقی می‌شوند. در سال ۲۰۲۲، منطقه خاورمیانه حدود ۲۳ درصد از تعاملات BRI چین را به خود اختصاص داد که نسبت به ۱۶/۵ درصد سال قبل افزایش یافته بود (Eslami and Papageorgiou, 2023: 5).

حوزه فناوری نیز یکی دیگر از حوزه‌های سرمایه‌گذاری چین در خاورمیانه است. پکن برنامه‌های بزرگی برای گسترش ردپای دیجیتال خود در منطقه دارد. خاورمیانه نقش برجسته‌ای در جاده ابریشم دیجیتال چین ایفا می‌کند که تحت آن شرکت‌های چینی قراردادهای 5G با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را تضمین کرده‌اند. چین همچنین در تقویت راهبردهای سایبری محلی با امارات متحده عربی همکاری داشته است. این توافقات به انتقال چین به یک قدرت فناوری در مقیاس خود کمک می‌کند. تمرکز بر فناوری برای هر دو طرف مهم بوده است. در حالی که چین به دنبال گسترش نقش خود به عنوان یک قدرت با فناوری پیشرفته

28. Maritime Silk Road Initiative (MSRI)

29. Middle East and North Africa (MENA)

و استفاده از داده‌ها به عنوان ابزاری برای تحول و توسعه اقتصادی است، کشورهای خاورمیانه به طور فزاینده‌ای به دنبال دیجیتالی کردن و تنوع بخشیدن به اقتصاد هستند (Eslami and Papageorgiou, 2023: 10).

با توجه به این روند، در حوزه اقتصادی، حجم تجارت چین و خاورمیانه در دوره ۲۰۲۲-۲۰۱۷ تقریباً دو برابر شد و از ۲۶۲/۵ میلیارد دلار به ۵۰۷/۲ میلیارد دلار رسید. خاورمیانه در سال ۲۰۲۲ سریع‌ترین رشد را در بین شرکای تجاری چین داشت که نسبت به سال قبل ۱/۲۷ درصد افزایش یافته بود، در حالی که این رقم برای اتحادیه کشورهای آسیای جنوب شرقی (آسه آن) ۱۵ درصد، اتحادیه اروپا ۵/۶ درصد و ایالات متحده ۳/۷ درصد بود (China Daily, 29 September 2023). تجارت چین با اعضای شورای همکاری خلیج فارس چهار برابر بیشتر از تجارت اعضای این شورا با ایالات متحده است. چین اکنون بزرگ‌ترین شریک تجاری غیرنفتی عربستان^{۳۰} و امارات متحده عربی در سطح جهانی است و امارات نیز به عنوان دومین شریک تجاری چین باقی مانده است. چین به بزرگ‌ترین شریک تجاری عربستان تبدیل شده است، به طوری که کل معاملات در سال ۲۰۲۱ به ۸۷/۳ میلیارد دلار رسیده است (Alhamawi, 9 December 2022: 3)، و دومین شریک بزرگ امارات متحده عربی است، با حجم کل تجارت ۷۵/۶ میلیارد دلار در همان سال (Ehteshami, 2022: 7).

به طور کلی، باید گفت جمهوری خلق چین برای اهداف اقتصادی خود منطقه خاورمیانه را به عنوان یک هدف مهم در نظر گرفته است. رشد پایگاه اقتصادی چین و سرمایه‌گذاری‌های آن در این منطقه سبب شد جایگاه این کشور به عنوان قدرت اقتصادی خارجی پیشرو در منطقه ارتقا پیدا کند. در پاسخ به پرسش درباره شناسایی قدرتمندترین قدرتهای اقتصادی خارجی در منطقه، اکثریت پاسخ‌دهندگان در عربستان سعودی و امارات متحده عربی (به ترتیب ۵۳ و ۴۷ درصد) چین را به عنوان قدرتمندترین قدرت اقتصادی می‌دانند که از سایر بازیگران اقتصادی بزرگ مانند ایالات متحده (به ترتیب ۳۲ و ۳۴ درصد) یا ژاپن، روسیه و اتحادیه اروپا پیشی گرفته است (Akbarzadeh and Saba, 2024: 6).

۳-۶. رقابت با آمریکا

منطقه خاورمیانه به ویژه خلیج فارس از مناطق نفوذپذیر در جهان محسوب می‌شود. در طول
حجم تجاری چین با عربستان سعودی ۶ برابر حجم تجاری آن با آمریکا (۲۶ میلیارد دلار) است. 30.

تاریخ قدرت‌های بزرگ با راهبرد و سیاست‌های مختلف ضمن نفوذ در این منطقه تلاش می‌کردند علاوه بر تسلط بر این منطقه رقبای خود را نیز کنترل کنند. بیش از نیم قرن است که ایالات متحده آمریکا با سیاست‌ها و راهبردهای مختلف بر این منطقه مسلط شده است. از سوی دیگر حدود ۲ دهه است که چین نیز در پی گسترش نفوذ خود در این منطقه است. رقابت میان جمهوری خلق چین و ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه، بخشی از رقابت گسترده‌تر میان دو قدرت بزرگ در سطح جهانی است. این رقابت در منطقه‌ای شکل گرفته که از نظر انرژی، موقعیت ژئوپلیتیکی و تنوع بازیگران، اهمیت راهبردی دارد. برخلاف حضور سنتی و نظامی آمریکا، چین با رویکردی اقتصادی و دیپلماتیک در حال گسترش نفوذ خود در منطقه است. موسسه رند در گزارشی تحلیلی با اشاره به رقابت سه قدرت آمریکا، چین و روسیه در منطقه خاورمیانه نوشت: خاورمیانه به صحنه‌ای برای رقابت چندقطبی تبدیل شده است؛ جایی که چین با ابزارهای اقتصادی، روسیه با ابزارهای نظامی، و آمریکا با میراث راهبردی خود در حال رقابت هستند. آینده نفوذ هر یک از این قدرت‌ها به توانایی‌شان در تطبیق با تحولات منطقه‌ای و پاسخ به نیازهای کشورهای محوری بستگی دارد (RAND, 2022: 1-5).

همزمان با رقابت در سطح جهانی، یکی از اهداف اصلی تقویت روابط چین با خاورمیانه نیز به چالش کشیدن سلطه ایالات متحده در منطقه است. چین در حال ارائه مدل جدیدی از حکمرانی بر پایه «کارآمدی ساختاری» است. در این مدل، دموکراسی، حقوق بشر و ارزش‌های جهان‌شمول غربی جایگاهی ندارند و حکومت‌ها بسته هستند و کارآمدی حکومت‌ها در تولید ثروت و امنیت حائز اهمیت است (Ajarloo, 2025). چین با بهره‌گیری از قدرت اقتصادی خود تلاش دارد این مدل را در مناطق مختلف جهان و به خصوص در منطقه خاورمیانه اجرایی کند. چین برای حفاظت از منافع خود و تضمین دستیابی به منابع و بازار این منطقه، به دنبال افزایش نفوذ و حضور خود در منطقه است. بیشتر سرمایه‌گذاری‌های چین به سمت متحدان سنتی ایالات متحده می‌رود. طی چند دهه اخیر، آمریکا مهم‌ترین قدرت خارجی مداخله‌گر در خاورمیانه بوده است. از این رو، کاهش نفوذ آمریکا در منطقه برای چین از اولویت برخوردار است. تشدید رقابت چین و آمریکا در سطح جهانی نیز این هدف را در سیاست خارجی چین پُررنگ‌تر می‌کند، اما رویه چین برای دستیابی به این هدف با رویکرد آمریکا و سابقه دیگر قدرت‌های بزرگ در منطقه خاورمیانه متفاوت است؛ چین به جای استفاده از قدرت نظامی و تلاش برای گسترش پایگاه نظامی یا پیاده کردن سربازان خود در منطقه، ابزارهای دیپلماتیک و

اقتصادی را ترجیح می‌دهد (Ghiselli and Giuffrida, 2021).

موسسه بروکینگز در مطلبی به قلم «راین هاس»^{۳۱} می‌نویسد: «به نظر می‌رسد در پکن اجماع فزاینده‌ای وجود دارد که روابط ایالات متحده و چین در آینده قابل پیش‌بینی همچنان پرتنش خواهد بود. مقامات چینی تشخیص می‌دهند که باید بر موانعی در مسیر دستیابی به اهداف ملی کشورشان غلبه کنند. برای انجام این کار، به نظر می‌رسد چین یک استراتژی میان‌مدت سه‌جانبه را دنبال می‌کند: حفظ یک محیط خارجی غیر خصمانه به منظور تمرکز بر اولویت‌های داخلی؛ کاهش وابستگی به آمریکا و افزایش وابستگی اقتصادی بقیه جهان به چین؛ و گسترش نفوذ چین در خارج از کشور» (Hass, 2021: 4-7). در این چارچوب، ایده صلح توسعه‌آمیز به جای صلح دموکراتیک در قبال منطقه خاورمیانه مطرح شد. مطابق این ایده، آمریکا هنوز مهم‌ترین قدرت جهانی در منطقه خاورمیانه است، اما تمرکز بر مسایل حقوق بشری و هنجاری و همچنین مداخله در امور داخلی کشورهای منطقه، جایگاه آمریکا را در خاورمیانه تهدید می‌کند. چین می‌خواهد ایده حاکمیت و تمامیت ارضی را ترویج و از عدم مداخله در سیاست داخلی کشورهای خاورمیانه حمایت کند. چین برای حمایت از ایده خود مبنی بر عدم مداخله در منطقه خاورمیانه تا آنجا پیش رفته است که به‌شدت با مداخله ایالات متحده و تلاش‌های این کشور برای ترویج دموکراسی در منطقه مخالف بوده است (Singh, 2014: 7). چین سیاست «صلح توسعه‌آمیز» را در قبال منطقه خاورمیانه اتخاذ کرده که در تضاد با مفهوم غربی «صلح دموکراتیک» است. ایده اساسی صلح توسعه‌آمیز این است که علت ریشه‌ای بی‌ثباتی منطقه‌ای، رکود اقتصادی، بیکاری بالا، زیرساخت‌های ضعیف، رشد سریع جمعیت و فرار مغزها به جای ضعف دموکراسی است (Sun, 2019: 25). به اصطلاح «مدل چینی» در بسیاری از کشورهای حاشیه خلیج فارس به خوبی مورد استقبال قرار گرفته است. این مدل از ترکیبی از اصلاحات اقتصادی و اقتدارگرایی سیاسی حمایت می‌کند. پکن از امنیت پایدار در منطقه دفاع می‌کند تا بتواند سرمایه‌گذاری‌های بیشتری را در منطقه انجام دهد.

علاوه بر این، چین سعی دارد روابط سیاسی خود را با کشورهای منطقه خاورمیانه تقویت کند. چین از عضویت کشورهای منطقه خاورمیانه در سازمان همکاری شانگهای^{۳۲} استقبال می‌کند. گستره نفوذ دیپلماتیک چین زمانی بیشتر به نمایش گذاشته شد که در مارس ۲۰۲۳،

31. - Ryan Hass

32. Shanghai Cooperation Organization

این کشور با موفقیت میانجی‌گری برای آشتی بین عربستان سعودی و ایران - دو رقیب سرسخت - را بر عهده گرفت. همان‌طور که «علی باکر»^{۳۳} از «شورای آتلانتیک»^{۳۴} اشاره کرد، این توافق با تبدیل اهرم اقتصادی به سرمایه دیپلماتیک و سیاسی، قدرت نرمی به چین در منطقه خواهد داد (The Atlantic Council, 2023). «مایکل شومن»^{۳۵} این توافق را بخشی از یک کارزار تشدید شده توسط پکن برای تضعیف قدرت آمریکا و بازسازی نظم جهانی دانست (Schuman, March 14, 2023) و «نیک رابرتسون»^{۳۶} از سی‌ان‌ان آن را به عنوان نشانه‌ای از تلاش رو به رشد چین برای شکل دادن به جهان در مدار خود تفسیر کرد (Robertson, March 15, 2023). پایگاه خبری «اوایل پرایس»^{۳۷} در مطلبی می‌نویسد: «این نباید آمریکا را شگفت‌زده کند که بن‌سلمان امروز آمریکا را صرفاً برای نگرانی‌های امنیتی خود نیاز دارد و در مقابل، در حوزه‌های اقتصادی و انرژی، به ترتیب چین و روسیه را شرکای کلیدی خود می‌داند و نه آمریکا را» در ادامه این مطلب آمده است: «این مسئله وقتی شفاف‌تر شد که مدیرعامل شرکت نفتی آرامکو اعلام کرد که تا ۵۰ سال آینده و پس از آن به تأمین امنیت انرژی چین متعهد است» (Watkins, 2022: 6). این اظهارات بیان‌گر حضور قوی چین در خاورمیانه به خصوص در حوزه‌های اقتصادی و به چالش کشیدن حضور آمریکا در این منطقه است.

نکته مهم این است که با توجه به اتکای کشورهای خاورمیانه به پایگاه‌های نظامی ایالات متحده و واردات تسلیحات، بعید است که کشورهای عربی در کوتاه مدت روابط امنیتی خود را با ایالات متحده جایگزین روابط امنیتی با چین کنند. در نتیجه این کشورها همچنان به «چتر امنیتی» آمریکایی متکی خواهند بود تا از آنها در برابر خطرات و تهدیدات خارجی و داخلی محافظت کند. رویکردهای کلان امنیتی آمریکا نیز تا حد زیادی جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیکی گسترده‌تر چین را محدود و مهار می‌کند (Chaziza, April 28, 2025).

۷. نتیجه‌گیری

چین بسط نفوذ و حتی تقویت قدرت نرم خود در منطقه خاورمیانه را به خصوص از سال

33. Ali Bakir

34. The Atlantic Council

35. Michael Schuman

36. Nic Robertson

37. Oil Price

۲۰۱۳ که ابتکار کمر بند و جاده مطرح شد، پیگیری می‌کند. قدرت‌های غربی به خصوص آمریکا از مفهوم مسئولیت قدرت بزرگ در جهت مداخله در امور داخلی کشورها و امور منطقه و همچنین افزایش نفوذ خود در این منطقه بهره می‌گیرند. چین مفهوم مسئولیت قدرت بزرگ را در خاورمیانه با تمرکز بر توسعه اقتصادی، ثبات منطقه‌ای و چندجانبه‌گرایی تعریف می‌کند، نه مداخله نظامی یا سلطه‌طلبی. برخلاف برخی قدرت‌های غربی، چین بر اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها تأکید دارد و تلاش می‌کند نقش میانجی‌گری طرف را در منازعات منطقه‌ای ایفا کند. چین در چارچوب طرح جدید شی جین پینگ موسوم به طرح ابتکار جهانی، چارچوبی جامع برای نظم آینده جهانی ارائه کرد که بر چندجانبه‌گرایی، عدالت و احترام به تنوع تمدنی تأکید دارد. این ابتکار نشان‌دهنده تلاش چین برای تثبیت نقش خود در معماری جدید جهانی و مقابله با سلطه اقتصادی و سیاسی غرب است.

چین با گسترش روابط با کشورهای منطقه، به دنبال کاهش وابستگی آن‌ها به غرب و ایجاد نظم جهانی چندقطبی است که در آن قدرت‌های نوظهور نیز سهمی دارند. همچنین چین با توسعه نفوذ اقتصادی و دیپلماتیک خود در خاورمیانه، در برابر تلاش‌های آمریکا برای محدود کردن نفوذ پکن ایستادگی می‌کند و در عین حال، اقتصاد کشورهای منطقه را به چین وابسته می‌سازد. چین مسئولیت قدرت بزرگ را نه در قالب سلطه‌جویی، بلکه در قالب توسعه‌محوری و احترام به حاکمیت ملی کشورها تعریف می‌کند که این می‌تواند بسط نفوذ پکن در خاورمیانه را در پی داشته باشد.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

- Akbarzadeh Shahram and Saba Arid, (2024), China's Soft Power: Views from Saudi Arabia and the UAE, Deakin University, Australia, <https://academic.oup.com/isagsq/article/5/1/ksae090/7934063?login=false>
- Ajarloo, Hossein. (2025). "China-U.S. Rivalry in the Global Transitional Order." Paper presented at the analytical meeting held at the Islamic Republic of Iran Arm .[In Persian]
- Azimian, Bahamin. (2021). *China's Security Diplomacy in the Middle East in the Post-Cold War Era*. Tehran: Shahr-e Yas Publishing.[In Persian]
- Alhamawi Lama, (9December 2022), How China Became Saudi Arabia's Top Trading Partner, Revived Ancient Silk Road, Arab News, <https://www.arabnews.com/node/2213231/business-economy>
- Al-Tamimi, Naser, (2018), China's rise in the Gulf a Saudi Perspective, in, Salman's Legacy the Dilemmas of a New Era in Saudi Arabia, Editor MADAWI AL-RASHEED, Oxford University Press
- Blanchard Christopher M, (2023), Middle East and North Africa–China Relations, Congressional Research Service.
- Bradsher Keith, (11 October 2023), China's Economic Stake in the Middle East: Its Thirst for Oil, available at: <https://www.nytimes.com/2023/10/11/business/china-oil-saudi-arabia-iran.html>
- Çalışkan Sercan, (22 March 2023), China's Expanding Influence in Iraq, the diplomat, available at: <https://thediplomat.com/2023/03/chinas-expanding-influence-in-iraq/>
- China's Arab Policy Paper, (January 2016), Full text of China's Arab Policy Paper, https://english.www.gov.cn/archive/publications/2016/01/13/content_281475271412746.htm
- Chaziza Mordechai, (April 28, 2025), China's Evolving Middle East Strategy,

available at: <https://nationalinterest.org/blog/middle-east-watch/chinas-evolving-middle-east-strategy>

Deng Yong, (2015), China: The Post Responsible Power, THE Washington Quarterly, Vol 37, Issue 4.

Ehteshami Anoushiravan, (2022), China in Middle Eastern Strategic Thinking, In Routledge Handbook on China-Middle East Relations, edited by J. Fulton, London: Routledge.

Eslami and Papageorgiou, (2023), China's Increasing Role in the Middle East: Implications for Regional and International Dynamics, available at: <https://gjia.georgetown.edu/2023/06/02/chinas-increasing-role-in-the-middle-east-implications-for-regional-and-international-dynamics/>

Freyman, E, (2021), Influence without Entanglement in the Middle East”, Foreign Policy, Retrieved from: <https://foreignpolicy.com/2021/02/25/influence-without-entanglement-in-the-middle-east/>.

Fulton, Jonathan, (Jun 2019), CHINA'S CHANGING ROLE IN THE MIDDLE EAST, THE Atlantic Council, https://www.atlanticcouncil.org/wp-content/uploads/2019/06/Chinas_Changing_Role_in_the_Middle_East.pdf

Ghafarzadeh, Mehrshad; Mehdi Amiri and Iman Shabanzadeh (2023). “China's strategic partnership diplomacy and its approach to West-Asia”, The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World, Volume 4, Issue 4 - Serial Number 14. Pages 53-79. [In Persian]

Gharayagh Zandi, Davoud, and Abbasi, Mohammad. (2021). “Strategic Developments and China's Foreign Policy in the Middle East in the Second Decade of the 21st Century: Rationale and Modalities.” International Political Economy Studies, Vol. 4, No. 2. [In Persian]

Ghiselli, Andrea, Giuffrida, Maria Grazia Erika, (2021), China as an Offshore Balancer in the Middle East and North Africa, at: <https://www.rusi.org/explore-our-research/publications/rusi-journal/china-offshore-balancer->

middle-east-and-north-africa

Hass Ryan, (2021), How China is responding to escalating strategic competition with the US, at: <https://www.brookings.edu/articles/how-china-is-responding-to-escalating-strategic-competition-with-the-us/>

Kouhkan, Alireza, and Ebrahimi, Erfan. (2025). "Resources, Objectives, and Challenges of Smart Power in the Foreign Policy of the People's Republic of China." International Relations Research, Year 15, No. 1. [In Persian]

Johnston Alastair Iain, (2008), Social States: China in International Institutions: 1980–2000, Princeton University Press.

Lanyu Liu, (2021), China's Policy and Practice Regarding the Gulf Security: STEPPING AWAY FROM THE ABYSS: A Gradual Approach Towards a New Security System in the Persian Gulf, European University Institute (EUI).

Lipping Xia, (2001), China: A Responsible Great Power, Journal of Contemporary China, Vol 10, Issue 26.

Loke Beverley, (2016), Unpacking the politics of great power responsibility: Nationalist and Maoist China in international order-building, European Journal of International Relations, VOL 22, Issue 4.

Loke Beverley, (2023), China's Great Power Responsibilities and the Politics of Hegemonic (Re)Ordering, <https://www.internationalaffairs.org.au/australianoutlook/chinas-great-power-responsibilities-and-the-politics-of-hegemonic-reordering/>

Mearsheimer John, (2001), The Tragedy of Great Power Politics. New York.

Morozov and Batyuk, (2022), Politics and Strategy of the United States, the Russian Federation, and China in the Middle East, available at: <https://link.springer.com/article/10.1134/S1019331622100021>

RAND, (2022), Crossroads of Competition: China, Russia, and the United States in the Middle East, https://www.rand.org/pubs/research_reports/RRA325-1.html

- Robertson Nic, (March 15, 2023), China Has Shattered the Assumption of US Dominance in the Middle East, CNN, <https://www.cnn.com/2023/03/15/world/us-saudi-china-relationshipsintl/index.html>.
- Rozsa Erzsebet, (2021), University of Public Service - China's Interests in the Middle East and North Africa, available at: <https://www.iemed.org/publication/chinas-interests-in-the-middle-east-and-north-africa/>
- Sharafkhani, Majid, Rahmat Hajimineh and Mohammadreza Dehshiri (2022). "China's Economic Strategy in Hegemonic Competition with the United States in the Middle East." Quarterly Journal of Strategic Policy Research, Vol. 11, No. 40. [In Persian]
- Schuman Michael, (March 14, 2023), China Plays Peacemaker, <https://www.theatlantic.com/international/archive/2023/03/china-iran-saudi-arabia-diplomacy-soft-power/673384/>
- Sevilla Henelito A, (2020), Middle East Geopolitics and China-India Strategic Interaction in the New Era, at: <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/25765949.2020.1760541>
- Singh, Michael, (2014), Chinese Policy in the Middle East in the Wake of the Arab Uprisings, The Washington Institute for Near East Policy, available at: <https://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/opeds/ChineseMiddleEastPolicySingh201412.pdf>
- State Council Information Office of the People's Republic of China. (2019). China and the World in the New Era. Translated by the Secretariat of the Strategic Council on Foreign Relations.
- Sun, Degang (2019), China's Approach to the Middle East: Development before Democracy, in, CHINA'S GREAT GAME IN THE MIDDLE EAST, European Council on Foreign Relations, available at: https://ecfr.eu/wp-content/uploads/china_great_game_middle_east.pdf
- Sun Yun, (19 December 2024), Forecasting China's strategy in the Middle East

over the next four years, available at: <https://www.brookings.edu/articles/forecasting-chinas-strategy-in-the-middle-east-over-the-next-four-years/>

The Atlantic Council, (March 10, 2023), Experts React: Iran and Saudi Arabia Just Agreed to Restore Relations, with Help from China: Here's What that Means for the Middle East and the World, <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/new-atlanticist/expertsreact/experts-react-iran-and-saudi-arabia-just-agreed-to-restore-relations-with-help-from-china-heres-what-that-means-for-the-middle-east-and-the-world/>

The State Council the People's Republic of China, (2025), Xi proposes Global Governance Initiative at largest-ever SCO summit, available at: https://english.www.gov.cn/news/202509/01/content_WS68b58afbc6d0868f4e8f53cd.html

Turki al-Sudair, Mohammed (2018), Why Beijing is Lying Low in the GCC Crisis, Middle East Perspectives, Series 11.

Vafamand, Zahra and Fariborz Arghavani Pirsalami (2024). "Regional Competitions and China's Economic Diplomacy in the Persian Gulf Subsystem in the 21st Century. The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World, Volume 6, Issue 2 - Serial Number 20, Pages 271-303. [In Persian]

Vincent RJ, (1990), Order in international politics. In: Miller JDB and Vincent RJ (eds) Order and Violence: Hedley Bull and International Relations. Oxford: Oxford University Press.

Watkins, Simon, (2022), Saudi Arabia Reiterates Commitment To China, Regardless of U.S. Concerns, at: <https://oilprice.com/Energy/Energy-General/Saudi-Arabia-Reiterates-Commitment-To-China-Regardless-Of-US-Concerns.html>

Waltz Kenth, (1979), Theory of International Politics. New York, NY: Random House.

Yan Xuetong, (2011), The Rise of China and Its Power Status. The Chinese Journal of International Politics, 4(1), Oxford University Press.